

پاسخ چیست؟

جهان سرمایه‌داری و رژیم وابسته‌ای هم‌چون جمهوری اسلامی، زندگی و آسایش ابتدائی محروم‌ترین اقشار جامعه را سلب نموده‌اند. دنیا و به تبع آن جامعه ایران، غرق در بحران و افت است. گواهی تاریخ و گواهی زندگانی وخیم سازنده‌گان اصلی جوامع بشری، این واقعیات را در مقابل دنیای انسانی قرار می‌دهد که حرکت گام‌به‌گام و مسیر انتخابی حاکمان، در خدمت به حفظ طبقه‌ی بالائی‌هاست؛ نمایان‌گر این واقعیات است که سرمایه‌داران سیاست‌شان را بر مبنای چپاول و غارت اموال عمومی پی ریخته‌اند و با شتاب هر چه بیش‌تری در این جهت به پیش می‌روند. جانین بشریت جهان کنونی را دو نیمه نموده‌اند؛ جهانی که در یک سوی آن ضدانقلاب و دار و دسته‌های اش قرار گرفته‌اند که می‌خورند و می‌برند و در سوی دیگر آن میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش و فرزندان‌شان که فاقد پائین‌ترین امکانات اجتماعی و زیستی‌اند. در این میان یکی ثروت‌مندتر می‌شود و دیگری فقیرتر. به بیانی، شکاف طبقاتی قابل توصیف نیست و سرمایه‌داران جان توده را به لب‌شان رسانده‌اند و چشم‌اندازی برای بهبودی وضعیت زندگی بهتر محرومان نیست. تعرض افسار گسیخته به معیشت کارگران و زحمت‌کشان در این روزها هم، به رویه‌ی واحد سرمایه‌داران جهانی و همی وابسته‌گان‌شان تبدیل گردیده است.

در حقیقت حاکمان و زورگویان جنگ دهشتناک و شرایط غم‌انگیزی را در مقابل توده‌های ستم‌دیده قرار داده‌اند و تاکنون هزینه‌های بس عظیمی از پائینی‌ها گرفته‌اند. حیات آدمی به لحظه‌ها گره خورده است و توازن قوا – علی‌رغم کمیت نیروی حاکمان – هم‌چنان به نفع طبقه‌ی بالائی‌هاست. درآمدهای جامعه در جیب و در کیسه‌های سرمایه‌داران تلنبار شده است و در عوض توده‌ها، از سر نداری با فقر و مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند. به بهانه‌ی وفاداری به آرمان و منافع کارگران و زحمت‌کشان، جنگ به راه می‌اندازند؛ به بهانه‌ی مبارزه با اجحاف و مفسدان اقتصادی قربانیان نظام را در خیابان‌ها و دیگر میداین سرکوب، می‌گردانند و درازکش می‌کنند. این سیاست و رویه، دین و رنگ و پوست و مرز و جغرافیا نمی‌شناسد و به کارکرد واحد طبقه‌ی سرمایه‌داری در اقصا نقاط دنیا تبدیل گشته است. به راستی که پاسخ عملی کمونیست مدعی برقراری دنیای فارغ از استثمار و برده‌گی در چیست و چه‌گونه می‌توان میلیون‌ها انسان را از زیر مصائب دست‌ساز سرمایه‌داران جهانی و وابسته‌گانی هم‌چون سردمداران رژیم جمهوری اسلامی نجات داد؟ چه‌گونه می‌توان توازن قوا را در هم ریخت و بساط کنونی را از ریشه سوزاند و چرخه‌ی جامعه را به سمت منافع کارگران و زحمت‌کشان گرداند؟

مسلم، ایهامی در شناخت پایه‌ای و به تبع آن در چه‌گونه‌گی تغییر اوضاع کنونی نیست. به طور قطع آرمان و ایدئولوژی کمونیستی پاسخ در خور شایسته و روشنی در برابر سیاست‌های استثمار و سرکوب‌گریانه‌ی سرمایه‌داران داده است. تکالیف نوشتاری، میهم، گنگ و نامعین نیست و ایراد اساسی کار، در بی‌باوری عمیق کمونیست‌ها از انجام وظائف عملی‌ست. ایهام و اشکال کار، در کتمان موقعیت خودی و آن هم به‌عنوان سازمان و حزب عمل‌گرای کمونیستی‌ست. به عبارتی واقعی‌تر حوزه‌ی عملی جبهه‌ی ضدانقلاب روشن است و در عوض، مکان واقعی و جبهه‌ی سازمان‌های مدافع انقلاب، میهم و نامعین است. به عنوان نمونه رژیم جمهوری اسلامی جدا از اتخاذ و تداوم سیاست‌های خانه‌خراپ‌کن اقتصادی، عملاً جنبش‌های اعتراضی کارگری – توده‌ای را از طرح خواسته‌های ابتدائی‌شان – و آن هم به‌گونه‌ی وحشیانه – پس می‌زند و در مقابل چپ مدعی نابودی نظام، فاقد خط عملی روشن می‌باشد. چنین وضعیت تأسف‌بار و شرایط غم‌انگیزی قابل کتمان نیست و دهه‌هاست که جامعه‌ی ایران با چنین وضعیتی روبروست و دهه‌هاست که توده‌ها، به سهم و توان خود، حاکمان کنونی را به مضاف می‌طلبند. بازنده‌گی عجیب و غریبی بر فضای جامعه‌ی ایران سایه انداخته است و به استناد نبردها و بی‌ثمری‌های تاکنونی، می‌توان بر این امر اذعان نمود که چه‌گونه سرمایه‌داران وابسته بدون دخالت‌گری نیروهای مدافع کارگران و زحمت‌کشان سیاست‌های ارتجاعی خود را به مردم و به جامعه تحمیل می‌کنند.

متأسفانه همی جوامع و از جمله جامعه ایران یک‌نواخت شده است. آیا به غیر از این است که پاسخ و علاج چنین وضعیت تأسف‌باری تمام بر دوش کمونیست‌هاست؟ آیا به غیر از این است که بر دوش کسانی قرار گرفته است که بنای دنیای انسانی و

بنای جامعه‌ای فارغ از تعرض به جان و مال کارگران و زحمت‌کشان و فرزندانشان را در سر می‌پروانند؟ آیا به غیر از این است که بر شانه‌ی کسانی قرار گرفته است که منفعت توده‌ها را مقدم بر منفعت سازمانی - فردی دانسته و از انجام وظائف عملی، کمترین تردید و ملاحظه‌کاری‌های سیاسی - تشکیلاتی ندارند؟ شکی در آن نیست که پیش‌رفت هر انقلابی و به ویژه انقلاب ایران نیاز به بُرش و حقیقت‌گوئی کمونیستی دارد؛ نیاز به حضور و دخالت‌گری کمونیست‌ها دارد و نیاز به آن است تا در مقابل نظام جمهوری اسلامی قدعلم نمود. معین است که دلیل حیات تاکتونی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در بی‌حضوری سازمان‌های کمونیستی نهفته می‌باشد و بی‌دلیل هم نیست که توده دارد از مبادین متفاوت نابرابر، سر خورده و بازنده بیرون به در می‌آید؛ بی‌دلیل نیست که چنین فقدان و خلاء عظیمی مسیر انقلاب را از روند حقیقی خود بازمی‌دارد و مدافعین نظام‌های سرمایه‌داری جامعه و روحیه‌ی اعتراضی مردمی را در جهت اهداف طبقه‌ی سرمایه‌دار کانالیزه می‌نمایند. مهم‌تر از همه‌ی این‌ها بی‌دلیل هم نیست که ناچیان سرمایه‌داری دیروزی و دائمی، به "فهرمانان" امروزی نجات مردم از شر استبداد و استثمار نظام‌های امپریالیستی تبدیل گردیده‌اند!! غیر واقعی‌ترین، گمراه‌ترین و بی‌محتواترین سیاستی که این‌روزها، گریبان تمامی جوامع بشری و از جمله جامعه‌ی ایران را در بر گرفته است.

آری، اوضاع کنونی زنده‌گانی میلیون‌ها توده‌ی رنج‌دیده دهشتناک است و جانیان بشریت، میدان و فضای را رقم زده‌اند که مردم در قبه‌ی امنیت و آسایش، ساعات و روزهای گذشته‌ی خویش‌اند. تصاویر، تفاسیر و مصاحبه‌های رادیو و تلویزیونی از قربانیان نظام‌های امپریالیستی در اقصا نقاط دنیا و به ویژه در میادین جنگ‌ای هم‌چون عراق، افغانستان، لیبی و سوریه و غیره، گواه این حقیقت است که سیاست‌های انتخابی قدرت‌مداران بزرگ، در خدمت به مسیر تنگنایی هر چه بیش‌تر جانی - مالی کارگران و زحمت‌کشان است و بر خلاف "نادانان" انقلاب، در انتظار نشستن ورود هر جامعه به وضعیت جنگی از نوع جنگ‌های عراق، سوریه و غیره، چیزی جز، ورود به گسترده‌گی ناامنی و تخریب زنده‌گانی هر چه بیش‌تر توده‌های محروم نیست. این انتخاب سرمایه‌داران جهانی و انتخاب مدافعین منطقه‌ای و محلی آنان است؛ این انتخاب و خواست باطنی محرومان و قربانیان نظام نیست و چنین انتخابی را باید با انتخاب آگاهانه‌ی کمونیستی تغییر داد و هم‌چنین به سهم خود تلاش نمود تا دامنه‌ی اجرای چنین سیاست شومی را تنگ و تنگ‌تر نمود.

بنابراین برای برچیدن بساط ظلم و تباہی، و برای به زیر کشیدن حکومت منفعت‌طلبان و سرکوب‌گران، لازم است تا توپ را در میدان و در زمین سران رژیم جمهوری اسلامی انداخت و تمامی ورودی آنان، به میدان، و به جان و مال توده‌های ستم‌دیده را بست. تنها با اتخاذ چنین سیاست و با انجام وظائف عملی روزمره در مقابل ارگان‌های سرکوبگر نظام است که می‌توان سران حکومت را پس زد و نوید جامعه‌ای عاری از ظلم و تباہی را سر داد. این یگانه پاسخ و در حقیقت همه‌ی وظائفی‌ست که بر گرده‌ی سازمان و حزب مدعی منافع کارگران و زحمت‌کشان قرار گرفته است. پر واضح است تا زمانی‌که میدان، برای امنیت جانی - مالی سرمایه‌داران وابسته ناامن نگردد؛ تا زمانی‌که آرمان کمونیستی و آن هم به طور عملی در مقابل ایدئولوژی سرمایه‌داری به صف نشود، پیروزی و رهائی توده‌ها از زیر سلطه‌ی نظام‌های سرکوبگر، و هم‌چنین برافراشتن پرچم کمونیستی در جوامع بشری و به ویژه در جامعه‌ی ایران، ناممکن می‌باشد.

مندرج در نشریه‌ی پیام سیاهکل، ارگان سازمان ۱۹ بهمن، شماره‌ی ۱۵، اسفند ۱۳۹۱